

در دومین سالگرد فاجعه ملی کشتار جمعی زندانیان سیاسی :

کارزار دفاع از حقوق بشر در ایران را تشدید کنیم!

پیانید روزهای گرامیداشت خاطره فهدای فاجعه ملی را با کستردن دفاع از جان مبارزان در پند و سازماندهی کمک رسانی مادی و معنوی به خانواده های فهدای زندانیان سیاسی درآمیزیم.

فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی در مرداد و شهریور ۶۷ یک تبهکاری فراموش نشدنی دومین سالگرد و قوع این فاجعه خونین را برگزار کنیم.

علل و بی آمدهای اشغالکویت توسط ارتش عراق

دو هفته از اشغال کویت توسط ارتش عراق می گذرد. اواخر هفته گذشته رژیم صدام اعلام کرد که کویت به عراق ملحق خواهد شد و از سفر و تماپندگان کشورها در کویت خواست که در بنداد مستتر شوند. به دنبال این اقدام عراق، شورای امنیت سازمان ملل به اتفاق آراء این تصمیم عراق را غیرقانونی و بی اعتبار خواند و بار دیگر از عراق خواست که نیروهای خود را از خاک کویت خارج کند و حق حاکمیت ملی این کشور را محترم بشمارد.

اکنون هم علل قدرمابی نظام عراق در اشغال کویت و هم عواقب نکران گذشته این تجاوز در محافل و مجامع مختلف جهان مورد بحث است.

در این ارتباط گذشته از خودکامکی و توسعه طلبی شخص صدام حسین که نشانه های پارز آن در اواخر دهه ۷۰ ادامه در ص ۲

روزهای مرداد و شهریور، یادآور فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی ایران است. امسال باید دومین سالگرد و قوع این فاجعه خونین را برگزار کنیم.

وژیم "ولایت فقیه"، نظام خودکامه و مستبد

در ادبیات نیروهای چپ و دمکراتیک ایران، معمولاً نظام "ولایت فقیه" را نظامی "توتالیت" یعنی یک نظام دولت سالار مبتنی بر حاکمیت خودکامه انحصاری و فردی توصیف می کنند، و بطور کلی آن را نظامی "فاشیستی" می نامند. و این بی دلیل نیست. چرا که در چنین نظام هایی همه چیز در خدمت ایدئولوژی حاکم یا دقیق تر گفته شود، در خدمت شخص رهبر و دیکتاتور قراردارد.

متولیان نظام های "توتالیت" می کوشند تا ایدئولوژی واحدی پرده شوند، که در خدمت شخص رهبر و دیکتاتور قراردارد. چنین نظامهایی به منظور آنکه برای سلطه جام گسیخته خود "مشروعیت" بیافرینند از ایدئولوژی سودمی جویند. درواقع هیچ بیانه و دستاوریز و هیچ منع دیگری نی تواند خودکامکی انحصاری نظام را تفسیر و ادامه در ص ۱

پازهم شوهای تلویزیونی پازهم شکنجه های روحی و جسمی

○ رژیم می خواهد با اعترافاتی که از شخصیت های بازداشت شده در زیر شکنجه های جسمی و روحی گرفته است، آنها را به دادگاه های دریسته و فرمایشی بکشاند.

در بی دستکیری گروهی از اعضای نهضت آزادی و "جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران" در ارتباط با ارسال نامه سرگشاده به رقسنجانی، اوایل هفته گذشته رژیم اعلام کرد که این بازداشت شدگان به جاسوسی برای آمریکا اعتراف کرده اند و ادامه در ص ۲

پیش پرسی کنگره سوم حزب توده ایران

* تشکیل جلسه دویتی هیئت اجرایی

* من کامل طرح تلقیقی مصوب پنجم فروردین ماه پیرامونه تدارک کنگره سوم حزب
ادامه در ص ۵

به یاد رفیق شهید

محمد رضا

رجالی فر

ص ۴

دولت خانم بوتو

بیش از این برای نظامیان

پاکستان

قابل تحمل نبود ص ۸

برقرار باد "جبهه آزادی و صلح" ، طرد باد رژیم "ولایت فقیه" !



شماره ۳۲۴، دوره هشتم،
سال هفتم، ۲۲ مرداد ۱۳۶۹

سامان یابی اقتصاد کشور درگرو استقرار دمکراسی

در نتیجه، بحران ژرف اجتماعی - اقتصادی که اساساً زائیده سیاست و عملکرد رژیم "ولایت فقیه" است، در سال های گذشته تولید ناخالص داخلی و نیز درآمد سرانه در مقایسه با سال های پیش از انقلاب به گونه ای چشمگیر کاهش یافته و زندگی توده های هرچه اینبهو تری را به ورطه قفتر و نیستی کشانده است.

برای دستیابی به تصویری روشن تر از این واقعیت تلحیخ به یک رشتہ آمار و ارقام رجوع می کنیم.

برایه آمار رسمی، تولید ناخالص داخلی ایران که در سال ۱۳۵۶ معادل ۳۹۲ میلیارد تومان، به قیمت ثابت ۱۳۵۳ بوده، در سال ۶۷ به ۲۹۶ میلیارد تومان سقوط کرده است. به دیگر سخن، حدود ۱۰۰ میلیارد تومان کاهش یافته است. اگر روند فعلی متوقف نشود، در سال ۱۳۷۷ ۱۳۷۷ میزان کاهش تولید ناخالص ملی به ۲۵۹ میلیارد تومان خواهد رسید.

تظاهر دیگری از این شاخص بحران اقتصادی را در کاهش درآمد سرانه می توان دید. درآمد سرانه ایران در سال ۱۳۵۶ به قیمت ثابت سال ۱۳۵۲ برابر ۱۲۵۶ میلیارد تومان ادامه در ص ۲

زحمتکشان است. چون روز روشن است که تعیین بحران موجود به فروپاشی کامل اقتصاد کشور می‌افرامد. برای جلوگیری از این فاجعه چه می‌توان کرد؟ به باور ما، در شرایط کنونی یکانه راه برون رفت از بحران اقتصادی موجود، در گرو ایجاد امکان شرکت فعال همه مردم و نیروهای اجتماعی در سازندگی و تولید اقتصادی و بهره برداری موزون و فراگیر از همه امکانات مادی و معنوی است. برای این کار قبل از هرجیز باید رویای سیاسی دستخوش تحول کینی شود. بطور مشخص باید به حاکمیت مطلقاً "لایت قیمه" پایان داده شود و در جامعه دمکراسی حاکم گردد. بدون دمکراسی عملای راه برای بهره گیری از همه نیروهای انسانی کشور، تخصص، کاردانی و خلاقیت آنها بسته می‌ماند و جامعه پویایی خود را از دست می‌دهد. تنها در شرایط دمکراتیک است که همه لایه‌های اجتماعی و بیانگران منافع آنها می‌توانند در روند گره کشانی مفصلات پیچیده اجتماعی - اقتصادی که با منافع آنها پیوسته دارد، نقش شایسته خود را اینها کنند. دمکراسی شرایطی را فراممی‌سازد که دربرتو آن می‌توان از منابع ملی در راستای رشد و شکوفائی اقتصاد کشور به بهترین وجهی بهره گرفت. از همین دیدگاه باید خاطرنشان ساخت که تبلیفات دولت رفستجانی پیرامون معجزات برنامه پنج ساله و برنامه ریزی برای میانگین رشد اقتصادی ۸/۱ درصد در سال جز عوامگری نیست. دلیل این امر نیز شکست چاره اندیشه‌های یکساله دولت در همار تورم، کنترل قیمت‌ها، افزایش واقعی تولید، ایجاد توازن میان عرضه و تقاضا و کنترل بر بازار ارز است. سامان یابی وضع اقتصاد ایران تنها با یک برنامه ریزی ملی و دمکراتیک که پاسخگوی منافع نیروهای گوناگون اجتماعی باشد، امکان پذیر است، در غیر این صورت جامعه همچنان در تب بحران و بی ثباتی خواهد سوت.

گویای آن است که حدود ۴ میلیون نفر ماهانه درآمدی کمتر از ۲۰۰ تومان و ۴ میلیون نفر درآمدی پائین تر از ۴۰۰ تومان دارند و به نوشته روزنامه اطلاعات "کارمندان و بطور کلی صاحبان درآمدهای اندک و ثابت نه در خط قرق، بلکه می‌توان گفت در زیر خط فقرزندگی می‌کنند" (اطلاعات ۱۲/۲۵/۶۷). برای درک ژرفای تکان

سامان یابی وضع اقتصاد ایران
تنها با یک برنامه ریزی
ملی و دمکراتیک که پاسخگوی منافع
نیروهای گوناگون اجتماعی باشد،
امکان پذیر است،
در غیر این صورت جامعه همچنان
در تب بحران و بی ثباتی
خواهد سوت.

دهنه ققر در جامعه، خاطرنشان می‌سازیم آن انبوه شهرورانی که تنها از قدرت خرید کالاهای سهمیه ای دولت برخوردارند، در سال ۶۸ روزانه فقط از ۷/۲۴ گرم برخی، ۴ گرم پنیر و ۱/۲ گرم صابون برخوردار شده اند. طبیعی است که توزیع ناعادلانه ثروت و درآمد ملی، نابرابری در توزیع امکانات بهداشتی و درمانی، آموزش، مسکن و غیره را هم به همراه خواهد داشت. وجود اقتصاد تک مخصوصی، وابستگی سرآهای اقتصاد صنعتی و کشاورزی ایران به ورود مواد اولیه، قطعات یدکی و نیم ساخته، سیاست تاصحیح مالی و بولی، بی بزنگی اقتصادی، و در عین حال از نظر سیاسی حاکمیت ترور و خفغان پلیسی، ساختار واپسکرایانه رژیم "لایت قیمه" و انحصار قدرت، از جمله عوامل پراهمیت کامش تولید تا خالص ملی، و این ماندگی اقتصادی و درنتیجه وخیم تر شدن وضع زندگی

سامان یابی اقتصاد ...

بوده که در سال ۶۷ به ۴۷۰۰ تومان تنزل کرده است. در صورت ادامه روند فعلی، این رقم در سال ۷۷ به ۳۷۰۰ تومان خواهد رسید. در عین حال، تولید تا خالص ملی را باید معینی با سطح زندگی و رفاه اجتماعی دارد. بدین معنا که هرچه تولید تا خالص ملی کاهش باید، در شرایط حاکمیت مناسبات ناعادلانه اجتماعی و افزایش جمعیت با نرخ بالا، دره ققر و ثروت عمیق تر و زندگی اشاره کم درآمد و متوسط دشوارتر و محرومیت هایشان بیشتر می‌شود. اگر در سال ۱۳۶۶ آمار و ارقام کمک می‌گیریم. اگر در سال ۱۳۶۷ به قیمت ثابت ۱۳۵۳ هر شهروند ایرانی می‌توانست برابر ۵۲۰۰ ریال برای خوارک و پوشک، آموزش و بهداشت و غیره هزینه کند، این رقم در سال ۶۷ به ۳۴۰۰ ریال تنزل یافت. حال اگر تحول مشتبی در این زمینه روی ندهد، در سال ۷۷ این رقم تا ۱۹۰۰ ریال سقوط می‌کند و این مساوی است با ۴۶ درصد کاهش سطح رفاه. در اینجا باید توجه داشت این ارقام، ارقام میانگین است. ولی در چارچوب نظام و مناسبات سرمایه داری وابسته حاکم برایران و برویزه در شرایط تورم رکود تولید، توزیع درآمدها به شدت ناعادلانه است. اگر اتفاقی بخصوص گروهی از بازاریان درآمدها و سودهای انسانه ای به جیب می‌زنند و پولشان از هارو بالا می‌رود، اکثریت آن در پسات ندارند که با ناله سودا کنند.

آمار موجود حکایتگر آن است که ۲ درصد از اهالی کشور ۹۷ درصد از ثروت و درآمد ملی را در اختیار دارند. طی محاسبه ای، یک خانواده ایرانی برای اینکه بتواند زندگی کاملاً معمولی داشته باشد، نیاز به ۱۶ هزار ریال درآمد در ماه دارد، درحالی که درآمد اکثر مردم کشور حتی به نصف و در موارد زیادی به تلث آن هم نمی‌رسد. بررسی دیگری

آخرین خبرها حاکی است که ۳ نفر دیگر نیز دستگیر شده اند. این ۳ نفر عبارتند از؛ مهندس هاشم صباحیان، خسرو یارسا و هرمز میزی، در بین دستگیرشدگان تعدادی به خاطر کهولت سن و بدرفتاری در زندان به شدت بیمارند. از جمله علی اردلان ۹۰ ساله، یدالله اردلان ۸۰ ساله و نورعلی تابنده ۷۲ ساله. این افراد برای پذیرفتن اتهاماتی که رژیم به آنها می‌زند تخت فشار قرار گرفته اند. رژیم در نظر دارد برا ساس این اعتراف گیریها بازداشت شدگان را به دادگاههای فرمایشی بکشاند.

ما بار دیگر این شیوه‌های ضد انسانی و مقایر با حقوق بشر را شدیداً محکوم می‌کنیم و خواهان آزادی اعضاً دستگیر شده جمیعت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران و دیگر زندانیان سیاسی هستیم.

عمومی را نسبت به فریکاران حاکم پرنی انکیزد، اما در عین حال بیانگر عمق درماندگی و ازدواج رئیسی است که توان تحمل ملایم ترین انتقادها از زبان مخالفان سیاسی خود را ندارد.

در بهمن ماه گذشته هنگام بازدید ریتالدوگالیندوپل غاینده کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد از زندان اوین گروهی از زندانیان سیاسی از جمله دکتر نورالدین کیانوری، دیباول پیشین حزب توده ایران، پرده از روی شکنجه ها و جنایات درون زندانها و ماهیت شوهای تلویزیونی برداشتند و به همین خاطر نیز اکنون ۵ ماه است در سلول های انفرادی و زیر خطر اعدام قرار دارند.

در ارتباط با ادامه بازداشت امضاء کنندگان نامه سرگشاده به رفستجانی،

باز هم شیوه‌های ...

بزودی در تلویزیون ظاهر خواهد شد. درین این زمینه سازی روز دوشنبه ۱۵ مرداد یکی از اعضای دستگیرشده جمیعت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران به نام دکتر فرهاد بهبهانی بر صفحه تلویزیون ظاهر شد و به سیک شناخته شده در جمهوری اسلامی جملاتی بزرگان راند مبنی براینکه او و دیگر قاعلان جمیعت مزبور زمینه را برای فعالیت های جاسوسی آمریکا فرامی‌کرد. و در جریان چنگ ایران و عراق نیز به عنوان ستون پنجم آمریکا قعال بوده اند. این شیوه رایج در نظام جمهوری اسلامی که مخالفان خود را جاسوسان آمریکا و شوروی معرفی می‌کند و به ضرب فشار و شکنجه در تلویزیون ظاهر می‌سازد، دیگر تنها جز تمسخر و نفرت افکار

علل و پی آمدهای ...

گذشت هنگام تجاوز به خاک ایران تجلی یافت، آنچه طی این ده سال بر منطقه گذشت قابل تمعق است. به عبارت دیگر می‌توان گفت که ریشه‌های این تجاوزگری اشکار به میزان زیادی در جنگ هشت ساله ایران و عراق نهفته است.

از نظر سیاسی صدام حسین یا اتفکاه به تجربه اشغال بخشی از خاک ایران، براین تصور بود که افکار عمومی جهان در برخورد با گستاخی دیگری از این نوع از خود واکنش نیزمندی نشان نخواهد داد. زیرا در سال ۵۹ هنگام آغاز تجاوز به ایران، دولت‌های مختلف سرانجام آغاز تجاوز به ایران را متحمل شدمند از طرف رژیم صدام تووجهی برای سیاست "صدور انقلاب اسلامی" و "جنگ جنگ تپروزی" بیاندا.

اما این بار افکار عمومی جهان و کشورهای عربی منطقه در قبال این تجاوز برخورد دیگری دارند. کشورهای همسایه از چنین خودسری کم نظر در بین گوش خود احساس خطر و خفقات می‌کنند و دولت‌های بسیار دیگری نیز قصد دارند چنین دست درازی گستاخانه ای را در ممکنیت ملی، منطقه ای و بین المللی بیش و بیش از آنکه توسط اندیشه اسلامی تأثیر تضمین باشد، درگرو تفاهم سیاسی و مزیستی سالم آمیز کشورهای است.

* * *

نظام توانی ایشان ایشان

"شمير" جدی تر از آن بود که محافظ راستگرا آمادگی تحمل آن را داشته باشد. خاتم بوتو همچنین در مقابل تصویب طرحی مقاومت می‌کرد که ازسوی احزاب اسلامی مخالف دولت به مجلس ارائه شده بود. در این طرح که فرمانتواری هرچه بیشتر قوانین اسلام بر زندگی جامعه خواسته می‌شود، دولت پاکستان موظف می‌گردد که از قوانین شرع به عنوان عالی ترین قانون الهام بگیرد. خاتم بوتو معتقد است که تصویب این طرح تأثیرات زیانباری برکشور بویژه وضع زنان در جامعه خواهد داشت. اکنون مخالفان بوتو امیدوارند با برکناری وی طرح مزبور را در مجلس آینده به تصویب برسانند.

کابینه بی نظیر بوتو با توجه به مشکلات اقتصادی و مانع تراشی های بی وقنه مخالفان در عمل توانست برنامه ای را که پیش از انتخابات اعلام کرده بود به مرحله اجرا درآورد. خود خاتم بوتو در اولین روزهای نخست وزیری طی مصاحبه ای در این ارتباط گفت که اکثر افراد های قدرت در دست نظامیان و رئیس جمهور غلام اسحاق خان است و وی حتی در تنظیم و تخصیص بودجه سالانه دولت فاقد اختیار کافی می‌باشد.

مجموعه این شرایط به خاتم بوتو اجازه نداد تا گام های مؤثری در راه دمکratیزه کردن

حیات کشور و بهبود زندگی مردم قدرزده

پاکستان بردارد.

اکنون نظامیان و محافظ راستگرای پاکستان پس از نزدیکی به دوسال، دولتی را که انتخابات سال ۸۸ روی کار آورده بود با خود کامگی از سرراه برمی دارند. آنها وعده انتخابات ازاد در آیان ماه امسال را داده اند، اما نیروهای مترقبی و دمکرات پاکستان می‌گویند که از این دست وعده های یاران زنگال ضیاء الحق را بسیار تجربه کرده اند!

مواجه نی شد و همان سال ۶۱ پس از دفع تجاوز عراق طرفین پرس میز مذاکره می‌نمی‌شود،

رجیم صدام امروز نی توانست به عنوان "فاتح جنگ عرب علیه عجم" مدعی سلطه جویی برجهان عرب نیز بشود. اما دیدیم که جنگ طلبی حکام جمهوری اسلامی چگونه فرصت طلائی برقراری صلح و دفاع از منافع ملی آیران را به پاد داد و صدها هزار تن دیگر برقرابیان و معلومان و شش سال دیگر بر فراسایش نظامی و اقتصادی کشور افزود. شاید به جرات بتوان گفت که اگر جنگ ایران و عراق چنین ادامه نمی‌پاید، امروز منطقه شاهد چنین گردیدگی بی شرمانه ای از طرف رژیم عراق نیز بود. هرچند سرانجام آغاز تجاوز به ایران، دولت‌های مختلف گستاخی دیگری جدید صدام توجیهی برای سیاست "صدور انقلاب اسلامی" و "جنگ جنگ تپروزی" بیاندا.

اما این بار افکار عمومی جهان و کشورهای عربی منطقه در قبال این تجاوز برخورد دیگری دارند. کشورهای همسایه از چنین خودسری کم نظر در بین گوش خود احساس خطر و خفقات می‌کنند و دولت‌های بسیار دیگری نیز قصد دارند چنین دست درازی گستاخانه ای را در ممکنیت ملی، منطقه ای و بین المللی بیش و بیش از آنکه توسط اندیشه اسلامی تأثیر تضمین باشد، درگرو تفاهم سیاسی و مزیستی سالم آمیز کشورهای است.

رجیم رژیم عراق همچنین بر پشتیبانی بی قید و شرط اکثر کشورهای عربی، که از جمله در مورد سیاست تجاوز کارانه اش در قبال ایران از آن بهره مند شد حساب می‌کرد و این حمایت را یک پشتونه داشتی می‌شمرد. از نظر اقتصادی نیز رژیم صدام در جریان جنگ ایران و عراق متباور از ۴۰ میلیارد دلار به دولت عربی و نیز کشورهای اروپائی مدبون شد.

جستجوی منابع مالی جدید از جمله

چاههای نفت کوت (۱) انکیزه دیگر اشغال این کشور برای صدام بود. دو هفته قبل از اشغال کوت، دولت عراق رسماً این کشور را به سرقت نفت در مزرعه عراق متهم و بیش از دو میلیارد دلار غرامت طلب کرده بود. پس از اشغال نیز دست نشاندگان صدام در این کشور به عنوان اولین اقدام ارزش برابری دینار کوت در بازار بین المللی را که سه برابر دینار عراق بود به یک سوم کاهش دادند.

اما از نظر نظامی عراق طی سالهای جنگ با

ایران تا بن دندان مسلح شد و بویژه با دستیابی به ذخایر بزرگی از سلاح های شیمیایی و موشک های بالستیک با برد ۲۵۰ کیلومتر، نکرانی همسایگان و سایر کشورهای منطقه را افزایش داد. کاربرد جنایتکارانه سلاح شیمیایی در حلقه، و سرکوب بیرحمانه خلق محروم و مستبدیده کرد در مناطق مرزی شمال تا جنوب شرقی کشور که بسیاری از دولتها و مجتمع بین المللی خوشنودانه از کنار آن گذشتند، یک بار دیگر میزان سبیت صدام را نشان داد. رسوایی انتقال چاشنی های اقی از آمریکا و لوله های توب ۴۰ متری از انگلستان نیز علیرغم جنجال تبلیغاتی هدفمند غرب بیرامون آن، بیانکر جنگ طلبی و تجاوزگری جنون آمیز رژیم عراق به شمار می‌رود.

جنگ تجاوز کارانه عراق علیه ایران اگر در مقابل خود با توسعه طلبی و سیاست "صدور انقلاب اسلامی" رژیم "ولایت قیمه" در ایران

به یاد رفیق "محمد رضا رجالی فر"



از افتخارات من:
اول عضویتم در حزب توده ایران
دوم مسئولیت هایم در حزب.

پی جوی حقیقت باورمند به انسان

هجوم هزاران واژه رادر گلو
به بند کشیدی
و پیکر منقوش
به رد تازیانه دشمنان خلق
معراج سریعی اتفاقیده شد.
کل عشق

پرسینه ات شکفت
ولبخندت به زندگی
پاد آور این خاطرات بود،

اصفهان در سال ۱۳۳۶ زادگامت بود و
وجدان بیدار جامعه شاهد رشد و بالندگی ات.
چه انسانی به دنبال حقیقت می گشتی به مرجا
سر می کشیدی، پرتلاش و کاوشکر، کتابخانه
 محله و مدرسه هنوز ترا به یاد دارند که بانی
شان بودی. نخست عدالت را در زاویه های
مسجد می جستی که گنجایش روح زانده ات
را نداشت. مدتی به هنر و کارناتر روی اوردی.
بچه های قدیمی کانون منوز هم ترا می شناسند.
با ورودت به جمع دانشجویان، دانشگاه
صنعتی پایکاه جدیدت برای فعالیت اجتماعی
شد. اینجا نیز پوینده، پیکر راه حقیقت بودی
و در این پویه به حزب توده ایران رسیدی.

سال ۵۵ بود که به خاطر فعالیت
سیاسی، رشته جامعه شناسی را برگزیدی. تا
آن زمان آموخته بودی که دستیابی به عدالت
جز با تلاش جمعی و منظم میسر نیست. چنین
بود که به همراه جمی از دوستانت با تشکیل
گروه "حکت جو" بر بال اعلامیه ها و شنبانه ها
عطیر اندیشه عدالت و آزادی خواهی را پراکندی.
کار مخفی سیاسی و سازمان یافته، و م زمان
حضور قفال در میان مردم را تاهنگان تماش با
سازمان "توبید" در چارچوب گروه "حکمت جو"
ادامه دادی. از بهمن ۵۷ به بعد نیز در دور

عشق، در بی حقیقت و شادی بودی و به توان
انسان در طی این راه باورداشتی. پاسخت به
جلادان و آزادی کشی های آنان جز "نه" نبود.
چه حقیر بودند که در مقابل این همه شور و
عشق به انسانیت به بندت کشیدند، روزها و
بارها به ضرب تازیانه پاهایت راز کار انداختند.
بردستانت هنوز خشم دستبند قپانی باقی بود.
مجروح و لا غر آنقدر که عزیزترین نزدیکانست در
اولین ملاقات ترا به جا نمی آوردنند جز آنکه که
نگاه پرگرورت را دیدند ویرق چشمان
سخنگوییت را که حتی ماهها فشار و تاریکی
چشمبدن از فروغشان نکاسته بود. می داشم که
به عهدت وفا کردی و حسرت نوشتن جمله ای را
بر برگ های بازجوشی به دل تیره بازجویان باقی
گذاشتی. بی "دادگاهت" ۱۲ دقیقه طلو کشید.
۱۱ دقیقه به ترهات خشک مفرزان دادگاه شرع
اختصاص داشت و ۱ دقیقه آن به دفاعیه تو. اوج
گفتار چنین بود،

"از افتخارات من است، اول عضویتم در
حزب توده ایران و دوم مسئولیت هایم در حزب".
حضورت دریند و در جمع دیکر رزمندگان
سیاسی نیز پریار و فعال بود. بحث و انتقاد و
جمع بندی فعالیت های گذشته، ارائه راه برای
اینده. تلاش در راه عمل مشترک بین همه نیروهای
ضد خفتان و دیکاتوری و تشکیل جبهه صلح و
آزادی. چه مستولانه در فکر اخبار و اسناد
زندان بودی که می بایست جنبش مردمی از آنها
مطلع می شد. در کنار اینها روحیه شوخ

اطلاع یا خاطره ای از زندگی شکوهمند این رفقاء شهید - خواه زندگی
فردی یا اجتماعی، خواه از سالهای زندان، و خواه سال های پوینده کی در
بیرون از زندان - دارید برای ما ارسال دارید. بزرگداشت روح و راه بزرگ
این رفقاء وظیفه پس سنگینی در برابر تک تک همزمانشان می گذارد. زندگی
سراسر رفع و کار و پیکار و پایداری هر شهید راه خلق می تواند باب دنیاگی
از آموزش را بروی انسانها باز کند. خواهشمندم اطلاعات خود و از جمله
عکس رفقاء شهید را به آدرس "نامه مردم" ارسال دارید.

جدید فعالیت حزب، در راه حزب و آرمانهایش
بی وقتی کوشیدی، سریاز گمنام حزب، بی
چشمداشتی و بی موقع شخصی. سازمان مخفی
حزب ترا در مسئولیت های مختلف می شناخت،
مسئولیت یخش سیاسی شهرستانها، مسئولیت
استان های اصفهان، شیراز، سیستان و
بلوچستان، خوزستان - مسئولیت غرب تهران.
شهریور ۶۱ بود که اتفاق دستگیر شدی
۸ ماه در بند بودی و سریلنگ بیرون آمدی. ۱۵
روز طム آزادی را چشیدی و ۱۵ اردیبهشت ۶۵
دومین بار بود که به اسارت درآمدی. این بار
دشمن می داشست که کیستی و چه درسینه
داری. بیدادگاه ریتم "ولایت قیمه" به پاس
رازدایریت به مرگ محکومت کرد و پس از ۵ سال
و اندی که در شنکنجه گاههای قرون وسطانی
جمهوری اسلامی شعله های شور و امید را
برآروخته نکهداشتی پیوندت رایا زندگی که
زیبایش می دانستی و عاشقش بودی، بزید.

زیبایی خاطراتم را می کاوم. سه سال از
بورش بی شرمانه حکام جمهوری اسلامی به
حزب توده ایران گذشته بود. بی خبر از تو در
سلول نشسته بودم. تازه واردی پیغامت را
رساند. دریند بودی و پلندای دیوار و خشونت
سیم های خاردار هم جلودار ایاز محبتها و روچیه
دادن هایت نبود. می داشم هنگام دستگیری به چه
می اندیشیدی. بارها گفته بودی؛ دربی عدالت و

روش؟ دوستان حزب؟

در جریان فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی قاله ای از فرزندان
خلق که در صفحه حزب توده ایران در راه پیروزی و نیکبختی توده
های رفع می رزیدند، به دست دژخیمان خونریز ریتم به خاک و
خون در غلتیدند. پدین وسیله حزب ما از شما می طلبد که هر

پیشنهاد سوم حزب توسعه ایران

جلسه نوبتی هیئت اجرایی برگزار شد

راه کارهای مشخصی جهت فراگیر شدن این نشست‌ها در همه واحدهای خارج از کشور تعیین گردید.

هیئت اجرایی مسائل و مشکلات مالی حزب را نیز به بحث گذاشت و کمیسیون تشكیلات خارج از کشور پیرامون سازماندهی جامعی به اجلاس آینده ارائه کند.

هیئت اجرایی کمیته مرکزی حزب توده ایران اجلاس نوبتی خود را برگزار کرد. در این اجلاس پیرامون نهوده کار و ارتباط کمیسیونهای مختلف تدارک کنکره بحث و بررسی بعمل آمد. همچنین گزارش کمیسیون مریوطه را مأمور کرد تا در این باره گزارش

متن کامل طرح تلقیقی مصوب پلنوم فوروردین ماه پیرامون تدارک کنکره سوم حزب

۴- تعیین معیارهای انتخاب ناینده برای کنکره از سوی واحدهای حزبی با نظرخواهی از اعضا و هماداران حزب. توجه این نظرخواهی برای تکمیل به اطلاع اعضای کمیته مرکزی رسانده خواهد شد.

۵- زمان برگزاری کنکره حداقل ۲ سال از تاریخ این پلنوم است. در صورت عدم تامین شرایط برگزاری کنکره پلنوم کمیته مرکزی برای تصمیم کیفری در فوروردین ماه ۱۳۷۱ دعوت خواهد شد.

* پلنوم کمیته مرکزی طی اطلاعیه ای تاییج پلنوم فوروردین ماه ۶۹ را مفصلابه اطلاع کیه اعضا و هماداران خواهد رساند.

* کمیسیون هایی که هیئت اجرایی آنها را سازمان خواهد داد عبارتند از: کمیسیون تشكیلات داخل - کمیسیون تشكیلات خارج از کشور - کمیسیون امور ایدئولوژیک - کمیسیون رادیو - کمیسیون امور مالی - کمیسیون امورین المللی و سازمان های توده ای.

* نشریه مسائل حزبی به انتشار علني نظرات و بحث های پیرامون تدارک کنکره اختصاص می یابد.

* هیئت اجرایی هر ۶ ماه یک بار تاییج کار خود در رابطه با تدارک کنکره را بطور منطقه ای به آگاهی اعضای کمیته مرکزی می رساند. فرکت حداقل یک عضو هیئت اجرایی در این جلسات الزامی است.

* جلسات هیئت اجرایی حداقل هر سه ماه یک بار تشکیل می گردد.

یکی از استاد مصوب پلنوم فوروردین ماه ۶۹ کمیته مرکزی حزب توده ایران طرح تدارک کنکره سوم حزب موسوم به "طرح تلقیقی" بود که خلاصه ای از آن در نامه مردم شماره ۳۱۷ درج گردید.

اکنون متن کامل این طرح که حاصل توافق پلاکت‌های مختلف ارائه شده به پلنوم در این رابطه

بود در زیر درج می گردد:

پلنوم هیئت اجرایی را با حقوق برابر اعضا و تعیین کمیسیون هایی که هر عضو فقط مسئول یک کمیسیون است، انتخاب می کند.

هیئت اجرایی موظف است ضمن انجام امور جاری

و برترشات، پذله گوئی و ترانه های زیبایت مشت محکم بر پروزه پاسداران شب و نوحه سرایان و گریه نوازان قفاختی بود.

۲ مرداد ۶۷ آخرین ملاقات بود. در حضور خانواده زندانیان بدترین رتار را با شما داشتند. بی پرده اهانت می کردند. تو نیز به همراه همبدانات آخرين بدرودت را گفتی. از این پس ملاقاتها هم قطع شد. انتظاری کشیده برهمه جا سایه افکند.

اول آذر ماه خبر دادند که جمهه ۱ صبح در کمیته زنجان می توانید وسایل "محمد رضا رجای فر" را تحویل بکیرید. درخیمان حتی از اراده وصیت نامه رسمی و سیاسی ات خودداری کردند. عطر تن برچند تکه لیاس باقی مانده، تنها یادگارت بود که به خانواده ات تحویل دادند. زمانی می بایست می گذشت تا دست نویسی از تو مرز بندها را پشت سرکار و پیام امید را در ردیف کلمات چنین به دستمن برساند:

۶۶

درستاست،
پائیزاست و برگریزان

بسنوا

صدای نازک لرزش ساقه،
در باد سحرگاهان.

بنکرا

رقاب برگهارا

غوغای آنها را که چون از شاخه جدا افتند،
چه سان فرومی نشینند بزمین.

برانی میعادگاه آخرين.

باد در غوغای

زووزه اش از جدار پنجه گوش را می دهد آزار.
چکونه بی تاب

می کوبد بال، بر در و دیوار.

دل می گیرد و می کند به حق یاد بهار.

برگ برگ،
برگ است که بر زمین ریزان است،

وصدای خشن خشن خردشده شان

به زیر پای عابران.

بنکرا

به عربانی درختان ای بر،
اینان، همین قدر که دستان لرzan خود را،
از شکستن در بیان

مصنون دارند،

تا نهان امید

بر غبار آسمان بسایند،

طبیعت یارانی نیکو

و ریشه در خاکانی جاودانند.

قدرشان را بادین

اگرچه اکنون بی بارند

دوستشان بدانم

که در بهار

سیزی به بار می آردد.

۱۵ آبان ۶۶

تصحیح یک اشتباه

پس از آنکه در "نامه مردم" شماره ۳۰۲ پادواره ای تحت عنوان "رفیق ناظر" مینه دوست و انتراسیونالیست پرشور" درگ گردید، اخباری مبنی بر تکذیب خبر اعدام قتل الله ناظر و آزادی او به "نامه مردم" رسید.

پدیده سیله ضمیم تصحیح این اشتباه تاکید می کنیم که هر خطی در این رابطه امنیت و سلامتی و جان نامبرده را مورد تهدید قرار دهد مسئولیت آن بردوش رئیم است. رئیم که انسانها را محروم از ابتدایی ترین حقوق اجتماعی و سیاسی در بیدادگاههای چند دیقته ای محکوم می کند، بی آنکه کمترین خبری پیرامون تهیکارهای خود منتشر سازد. چنین مواردی باز هم بر ضرورت تحت فشار قرار دادن رئیم جهت اعلام رسمی اسامی و مشخصات شهدای خلق و از جمله قربانیان ناجمه ملی قتل عام زندانیان سیاسی مهر تائید می زند.

**نظام "توتالیتر" با دستاویز قراردادن
ایدئولوژی و حتی با مسخ آن
می کوشد تا جامعه ای
هماهنگ و همسان و همنظر و همشکل
بوجود آورد و همه افراد را
در یک "خط" ردیف کند تا بتواند
رهبری خود کامه یک فرد را بهتر برآنان
هموار سازد
و چنین است که توده ها را به
"وحدت پیامون رهبر" و "وحدت کلام"
تشویق و ترغیب می کند.**

دلکرم ساختن همدستان جنایت پیشه خود، در کوچه و کارخانه و مزرعه و مدرسه، در شهر و روستا، به دستگیری های گسترده علی دست یازد و صدها و هزارها تن را به گلوله پندت یا آشکارا تیرباران و حلق آورز کند.

حاکمیت خود را ناچار می بیند به پیج و تجهیز انواع سازمان های به اصطلاح "مردمی" برای سرکوب مردم، پیدا زد. در عین حال، به منظور تضمین و تداوم خودسری و خودکامگی برای تحقیق مردم از هیچ گوشی فروکار نکند و در این راه باورهای مذهبی مردم را نابکارانه مورد سوء استفاده قرار دهد. تبلیغات گسترده، سرشار از فربیکاری و تزویر و دروغ پرداختی و کمره سازی، توان با اشاعه بی دریغ خرافات و موهومات، با شستشوی مفزع حساب شده - به ویژه در مورد جوانان و کودکان - در تکار سرکوب، ابزار عده حاکمیت خود کامه است.

نظام های "توتالیتر" که رژیم "ولایت فقیه" در کشورمان گونه برجسته آن است، با آزادی انسانها و حقوق بشر دشمنی کین توزانه دارند. با همه دستاوردهای مدنی بشری، و از آن بین، با همه آنچه انقلاب بزرگ فرانسه در ۲۰۰ سال قبل به ارمغان آورد، یا انقلاب کبیر اکبر به جهانیان عرضه کرد، با سرسختی مخالفند. و آن را "به حق" خلاف سیاست سرکوب و تحقیق می دانند. ازدانش و فرهنگ و هنر بیزارند، با این همه برای آنکه در عرصه فرهنگ و دانش برای خود "اهلیت" بساند و خویشت را با کاروان مدن بشری همکام نشان دهند، و برای آنکه سیاست سرکوب و تحقیق را با نیوز علم" و "فرهنگ" بیارایند، خیل "دانشمندان" و "پژوهشگران" و "فیلسوفان" و "نظریه پردازان" ویژه خود را می بروانند، و به انتشار کتابها و نشریاتی که محتوای اصلی آنها خرافات و موهومات و کراوه کوشی و ستایش دیکتاتور است، با تیراڑ صدها هزار ، می پردازند.

در نظام های "توتالیتر" به رهبر صفاتی فوق انسانی نسبت داده می شود. او "ابرمدی" است برتر از همه انسانها که سرنوشت وی را برای رهایی و رهبری جامه و همه جهانیان آفریده است. سخنان "گهربار" و اندیشه های "تابناک" او را به تنها مردمان امروزی، بل آیندگان نیز نماید آوره زنگ قرار دهد و با دل و جان به کار پندت. در سخن و کردار او "حکمتی" است که مردم عادی از درک آن عاجزند. هر واژه ای از کلام او، هرچند تابخداه و خودخواهانه باشد، "گوهري شاهو از کنجیته حکمت آسمانی" است که برای نیکبختی امروز و فردای آدمیان نثار می شود و هر کار او هرچند هوسکارانه و خودسرانه، نقشی است که سرنوشت همه زمینیان را از حال تا پی نهایت قلم می زند. "رهبر"، آن "موهبت آسمانی" است که به یعن و وجود او، همه ارزشها در دسترس انسانی است، و بی او تباہی و سیاهی سراسر جهان را فرا می گیرد.

همه آنچه به اختصار درباره رژیم "توتالیتر" بر شردم، با قوت هرچه قائم و با خشونت و وقارت بیشتر در نظام قرون وسطانی "ولایت فقیه" جاری و برقرار است.

اساس ایدئولوژی "ولایت فقیه" آیینگذشتی سیاست و "منذهب" و ادغام دولت با "شرع" است. بدین سان "رهبر" یا "ولی فقیه" موجود آسمانی مقدس است که در عین حال از قدرت انصاری حکومت زمینی برخوردار است. رسالت این موجود ملکوتی - الهی - هدایت مردم به سوی "خداد" و استحکام مبانی "اسلام" است، "امام خمینی" و دیمه

رژیم "ولایت فقیه"

توجیه کند.

نظام "توتالیتر" با دستاویز قراردادن ایدئولوژی و حتی با مسخ آن می کوشد تا جامعه ای هماهنگ و همسان و همنظر و همشکل بوجود آورد و همه افراد را در یک "خط" ردیف کند تا بتواند رهبری خود کامه یک فرد را بهتر برآنان هموار سازد و چنین است که توده ها را به "وحدت پیامون رهبر" و "وحدت کلام" تشویق و ترغیب می کند.

با این همه رژیم خود را ناچار می بیند به افراد ملت را به جاسوسی و خرچنی بر ضد یکدیگر برانگیزد تا جایی که اعضای یک خانواده در راه "ایدئولوژی" درواقع به سود حاکمیت فردی قصد جان پکدیگر کند. تاکید بر "حدت کلمه" و ترغیب به "جاسوسی" دور روی یک سکه اند هر دو برای تحکیم و تقویت شالوده حاکمیت خود کامه است.

در نظام "توتالیتر" قدرت سیاسی همه شون مادی و ممنوعی زندگی - از اقتصاد و فلسفه و آموزش و فرهنگ - را دربرمی گیرد. همه باید گوستند وار مطیع قدرت باشند. همه کانون های سیاسی و فرهنگی و همه مصافل اجتماعی مستقل و غیر وابسته به حاکمیت - چون نخستین قربانیان دیکتاتوری ، مورد مجاوز قرار می گیرند و از میان می روند و به جای آنها، انواع سازمانها و جمیعت ها و گروههای وابسته به نظام و پیروی بی قید و شرط حاکمیت سرهبندی می شوند. دگراندیشی و هرگز نهاده جریان مخالف طبع نظام خودکامه، به عنوان عوامل فساد، ضد اخلاق و ضد حاکمیت می باشد، به سختی سرکوب می شوند. دامنه سرکوب نه تنها مه مخالفان، آزادیخواهان، دگراندیشان و اقلیت های ملی و مذهبی را دربرمی گیرد، بل هر آنچه را رژیم تصور می کند که در آنده به سلطه بی چون و چرای او به نظر تردید بنگرد درنفعه خته می کند.

نظام "ولایت فقیه" قبل از همه
در جادوگری کاهنان بابل و اکد،
در جاهلیت اعراب بدوي،
در خودکامگی های شاهنشانی،
در خرافات و موهومات قرون وسطانی،
و در تفتیش عقاید "اسکولاستیک" اسلامی
ریشه دوائنه است.

تفقیش پیرحمانه عقاید، دستگیریها و زندانها، شکنجه گاهها، بیدادگاههای فرمایشی و قراردادی، اردوگاههای مرگ، کشتار گاهها و میدان های تیرباران و چویه های دار، گورستان های جمعی پنهان و آشکار و نهانگاههای اجساد قربانیان، عموما از مشخصات ویژه نظام های "توتالیتر" به شمار می روند. رژیم ازوحشت بیگانگی با خلق و برای آنکه چیزی از جنایتها به خارج "درز نکند" و "مشروعیت" نظام را نیز سوال نمود همه این جنایات را در خفا، در تاریکی در پشت درهای پست، در بیابان های دورافتاده بی نام و نشان، با سرعت و قاطعیت بی سابقه و پیرحمانه اجرا می کند. با این همه گاه خود را ناچار می بیند که همه این ملاحظات بزدلانه را کار گذارد و برای ترساندن مردم و غلبه برترس خود، نیز برای

همه شون زندگی کامه، تا ژرفای خانواده ها و مسائل خصوصی، باقدرت تمام کنترل می شود. سپهرستان "عقیدتی" - سیاسی" ، همه سازمانها، نهادهای مصالح اجتماعی را دقیقا زیر نظردارند.

"ولایت فقیه" کوچکترین نشانه ای از دگراندیشی و آزادگی را تاب غی اورد و به سادگی همه دگراندیشان را با اتهام "یاغی" ، "دشمن خدا" ، "نوكر استکبار جهانی" ، "دشمن اسلام و انقلاب" و عنوان هایی از اینگونه "مهدورالد" می شناسد و به کشتن و نابود کردن آنان قتوا می شود، و در عین حال بی شرمانه ندا می دهد: "هیچ کس حق ندارد بدون حکم قاضی کسی را احضار یا توقیف کند" (محمد یزدی - کیان ۶۹/۲).

در رژیم "ولایت فقیه" هر روز و هرساعت برای "استکبار جهانی" ، "دشمنان اسلام و انقلاب" ، "مناقفین و گروهکها" با تکمیر و تکنیر طلب مرگ می شود. هر آن چند گاه در اعتراض به زنده ماندن پدیده های چون "سلمان رشدی" ، "ملک سعد" و مانند آنها فریادها به آسمان می رود، یا برای "ارتجال امام بزرگوار" ، "میراث خمینی" ، "هرواز روح ملکوتی" و در هر "سالگرد" و "امت همیشه در مصنه" در نبرد "حق" علیه "بالطل" و "جدال" "دین" با "کفر" و با عربیده کشی و مبارزه طلبی و پیته درانی فرست های بی بازگشته را از دست می دهد. "روضه خوانی" و "تعزیه گردانی" و "سینه زنی" و "زنجیرزنی" در سراسر سال وقت و

آزادیخواهان را فرامی خوانیم که همراه با خانواده‌های شهیدان خلق و زندانیان سیاسی ایران در کار برگزاری هرچه باشکوهتر مراسم بزرگداشت خاطره فرزندان درخاک خفته مردم به گونه‌ای فعال شرکت کنند. شرکت در آئین‌های کوچک یا بزرگی که به پاد شهیدان خلق برها می‌شود، یک ادای وظیفه انسانی، ملی و آزادیخواهانه است. پادرس کیری از تعبیرات برگزاری مراسم نخستین سالگرد فاجعه ملی باید کوشید با تدارک گسترشده و همه جانبی در داخل و همانگی با آن در خارج از کشور، این مراسم را برگزار کرد. در این راه، اگر همه نیروهای آزادیخواه و میهن دوست متعدد و یکپارچه و همانگی عمل کنند و به اشکال گوناگون از نفعه امکانات موجود بهره‌گیرند، بدون شک این مناسب است به عرصه‌ای برای افسای بیشتر ماهیت ضد دمکراتیک و تبهکار رژیم "ولایت قیمه" و امکانی برای گسترش مبارزه در بین توده‌ها تبدیل خواهد شد.

هم میهنان! آزادیخواهان!

سال گذشته، در داخل و خارج از کشور روزهای گوناگونی از سوی نیروهای سیاسی برای بزرگداشت پاد شهیدان فاجعه ملی پیشنهاد گردید، بدون آنکه توافقی برسر یک روز واحد صورت گیرد. در این میان از جمله "کانون دفاع از زندانیان سیاسی ایران (داخل کشور)" ۱۰ روزه (۱۵-۵ شهریور ماه) را به عنوان "دهه گرامیداشت پاد شهیدای فاجعه ملی" اعلام داشت. در این رابطه برای حزب ما و اعضای آن یک موضوع اصل بود: گرامیداشت پاد شهیدان، انگیزه گرفتن برای ادامه مبارزه و بهره برداری از این مناسبت به منظور افسای ماهیت پلید رژیم. در ادامه منطقی این برداشت بود که توده‌ای ها در داخل و خارج از کشور هرجا آئینی به مناسب سالگشت فاجعه ملی برگزار گردید، شرکت جستند. امسال، برخلاف سال پیش، بدون پیشنهاد روز معینی، از همه آزادیخواهان می‌طلیم تا با نشان دادن حسن تفاهم، از پیشنهاد "کانون دفاع از زندانیان سیاسی ایران (داخل کشور)" پشتیبانی به عمل آورند و همه هم خود را در برگزاری هرچه گسترشده تر این مراسم بکار بینند.

با پرهائی یا گردآمدن در آئین‌های پاد کرد از شهیدان، همدوش با خانواده‌های داغدار، دربرابر خاطره به خون خفتگان فاجعه ملی که جان شیفته خود را در راه آرمان‌های والای آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح نثار کردند، سرتقطیم فرود آورم.

بیانید روزهای گرامیداشت خاطره شهیدای فاجعه ملی را با گسترش دفاع از جان مبارزان دریند و سازماندهی کمک رسانی نادی و معنوی به خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی درآمین. بکذارید این خانواده‌ها در همبستگی شما، حقانیت راه عزیزان از دست رفته یا زندانی خود را احسان کنند. تجدید عهد کنیم که راه انسانی شهیدای جنبش را ادامه دهیم.

در دومین سالگرد ...

در سیاهه نتکین اعمال حکومت ضد خلق "ولایت قیمه" است. وقوع این فاجعه بیک بار دیگر به روشن ترین وجهی خصلت ضد دمکراتیک و ضد پسری رژیم را نشان داد. چرا که این تبهکاری فاقد کوچکترین پشتونه قانونی، حقوقی، مدنی، اخلاقی و انسانی بود. بدین معنا که انسان‌های بیکنامی که عشقی، جز عشق به پهلوی مردم میهشان نداشتند، بدون شرکت در یک دادگاه و طرح و بررسی اتهامات و داشتن حق دفاع به جوخه‌های اعدام سپرده شدند. اگر اتهامات رژیم نسبت به این قربانیان ذره‌ای واقعیت می‌داشت سران جمهوری اسلامی از تشکیل دادگاه‌های علنی سر باز نمی‌زندند و ننگ تشکیل "دادگاه‌های" دزدانه را برخود نمی‌خریدند: شایان توجه است که گروهی از اعدام شدگان در حال سپری کردن دوران محکومیت‌های ظالمانه صادرشده در بیداد کاههای جمهوری اسلامی بودند و یا سال‌های زندان خود را به یاریان رسانده بودند.

رژیم با دست آلودن به این جنایت بزرگ و کم نظیر که پس از ناکامی در سیاست ادامه جنگ و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و در شرایط تشنج و ناراضایی گرفت، در واقع، به انتقام گیری از مردم صلحدوست پرداخت تا با افشاگران بذر هراس در دل توده‌های خشمگین و تشید حکومت تزور و خفغان ہلیسی، پایه‌های لرزان حکومت خود را در خون بهترین فرزندان مبارز خلق استوار سازد و میزان درندگی و بیرحمی خود را به رخ مردم بکشد.

فاجعه ملی اگر برای رژیم جز ننگ و نترین به بار نیاورد، ولی در عین حال بر کارنامه رزم خلق ستمدیده ایران برگ انتشار غرورآمیزی را افزود: قیام خونین گروهی از بهترین، آکاشرین و آزموده ترین فرزندان ایران زمین، آن مم در بندهای دوزخی سیاهچالهای رژیم و با آفریدن حمامه‌ها و قهرمانی های بی مانند، باز نمای پایداری یک خلق زنده و پوینده است که پیشتر از جان جنبش آماده اند از جان به خواستهای دشمن نسپارند.

از زمان وقوع فاجعه ملی دو سال می‌گذرد اما هفچنان سیاست‌های خلق ستیز و عملکرد ضد دمکراتیک رژیم "ولایت قیمه" با عوام فریبی و وعده‌های بوج و بی پشتونه ادامه دارد، ابتدائی ترین آزادیها و حقوق دمکراتیک سرکوب می‌گردد، نیروهای ترقیخواه زیر چتر پیکرید قرار می‌گیرند، بازداشت و راهی دخمه‌های شیکنجه و میدان‌های اعدام می‌شوند و خطر وقوع فجایع تازه هر لحظه وجود دارد. هم اینکه زندگی نورالدین کیانوری و هشت تن از زندانیان سیاسی زن در معرض خطر جدی است. از سوی "دیگر دومن سفر رینالدو گالیندویل" ماینده کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متعدد به ایران برای بررسی وضع حقوق بشر نزدیک است.

در این شرایط، برگزاری دومین سالگرد فاجعه ملی کشتار جمعی زندانیان سیاسی در راستای افسای بازهم بیشتر ماهیت رژیم اهمیت خاصی کسب می‌کند. از این رو، ما همه میهن دوستان و

رژیم "ولایت قیمه" ...

نیروی جامعه‌ای را بر باد می‌دهد، و همه اینها برای آن است تا مکر حاکمیت "ولایت قیمه" چند صبحی بیشتر تداوم یابد.

نظر براینکه "ولایت قیمه" طبیعتاً از حل کوچکترین مسائل اقتصادی - اجتماعی ناتوان است و در هدایت جامعه به سوی پیشرفت نقش مشتبی نمی‌تواند داشته باشد، لذا به صرفه خود می‌داند که از کنار مسائل واقعی زندگی بگذرد به معیشت و گزران مردم خود را بی اعتماد نشان دهد و "دل نبست" به زندگی را توجیه کند.

خانمه‌ای در "ستایش" از خمینی، درواقع برای القاء به "امت اسلام" از بی اعتمانی او به "دیگران" و به "جیمه دنیا" سخن می‌گوید: "او کسی بود که رضای خدا را به رضای دیگران برگردید".

(خامنه‌ای - کیهان ۶۹/۳/۱۲)
پس از آنکه "روح بلند ملکوتی" عروج کرد، یعنی پس از آنکه خمینی مرد، برای نظام "ولایت قیمه" هیچ کاری حیاتی تر، فوری تر و اساسی تر از آن نبود که به هر قیمت که باشد "یک ولی قیمه" دیگر، هرچند جسارت و نفوذ و اعتبار خمینی را نداشته باشد، بتراشند و علم کنند و از "امت سردمداران" برای او بیعت بطلبند. همه سردمداران "ولایت" در این مهم اتفاق کلمه داشتند. قرعه فال به نام خانمه‌ای افتاد که با شتابی چشمکیر و با وحدتی تصنیع و مصلحتی یک شب از وی "آیت الله" و "ولی امر مسلمین" ساختند و او را برگرسی "رهبر برکات مسلمین جهان" نشاندند و انتخاب او را "از برکات آسمانی نسبت به ملت" دانستند و بوق و کرنا سردادند که "تفکر خانمه یافتن دوران امام خمینی که دشمن با صد زیان سعی در مقابله آن دارند، خدنه و نیرنگی بیش نیست. دوران امام خمینی ادامه دارد و خواهد داشت" (همایخ).

باری نظام "ولایت قیمه" بر شالوده "ایدئولوژی" استوار است و خود کامکی رژیم از منع "ایدئولوژی" تغذیه می‌شود. با این همه میان نظام "ولایت قیمه" و سایر نظام‌های "توتالیت" تفاوت هایی نه چندان اندک وجود دارد: نظام "ولایت قیمه" برخلاف نظام‌های "توتالیت" دیگر که در مهد دمکراسی اروپا، چون یک خده سلطانی پدید آمدند، ابیشور آن بطور عدمه در استبداد آسیایی است. نظام "ولایت قیمه" قبل از همه در جادوگری کاهنان بابل و اکد، در جامه‌ی از عرب بدی، در خرافات و موهومات قرون وسطی، و در تفیش عقاید "اسکولاستیک" اسلامی ریشه دوانده است.

پایان مبارزه مسلحه و آزادی زندانیان سیاسی

بین کنگره ملی آفریقای جنوبی و دولت جمهوری آفریقای جنوبی قرارداد آتش بس به افشاء رسید. به این ترتیب آخرین موافع برسر راه تدوین قانون اساسی جدید جمهوری مبنظر پایان دادن قطعی به نظام تعیین نژادی، برداشته شد. کنگره ملی آفریقای جنوبی به خاطر حل مسلط آمیز مستله به قطع مبارزه مسلحه هس از ۲۹ سال رضایت داد. این مبارزه علیه تسبیقات نژادی در آفریقای جنوبی طی همه این سالها ادامه داشته است. دولت جمهوری آفریقای جنوبی متعهد شده است که زندانیان سیاسی کشور را حداکثر تا پایان ماه آوریل سال آینده میلادی آزاد کند.

سیستم چند حزبی در موزامبیک

ژواکیم چیسانو، رئیس جمهور موزامبیک طی یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام داشت که طبق تصمیم یکپارچه حزب فره لیمو کشور باید با سیستم تعدد احزاب اداره شود. او اضافه کرد که در صورت تصویب این امر توسعه هاربان از اکبر سال جاری احزاب می توانند در انتخابات آتی که در سال ۱۹۹۱ برگزار خواهد شد به رقابت پردازند.

به نظر ژواکیم چیسانو اکثریت اهالی موزامبیک طرفدار سیستم یک حزبی هستند ولی طرفداران سیستم چند حزبی نیز در کشور وجود دارند.

تورم در نیکاراگوئه

نیکاراگوئه در چنگال بحران اقتصادی دست و پا می زند. تورم به مرز ۳۰۰ درصد رسیده است. متخصصین رژیم جدید که وعده اصلاح سه ماهه امور اقتصادی را داده بودند، اینک ساندینیست ها به "کارشناسی اقتصادی" متهم می کنند و مشکلات کار را به پیشینیان خود نسبت می دهند.

گله مالی به حزب توده ایران
یک وظیفه انقلابی است!

دولت خانم بی نظیر بوتو بیش از این برای نظامیان پاکستان قابل تحمل نبود

خانم بی نظیر بوتو دختر ذوالنقار علی بوتو نخست وزیر اسبق پاکستان است که زنراز ضمایر الحق در سال ۱۹۷۹ وی را در بی یک محکمه ساختگی اعدام کرد. خانم بی نظیر بوتو پس از مرگ ضمایر الحق در انتخابات نوامبر ۱۹۸۸ به نخست وزیری پرگزیده شد. وی با آنکه در این انتخابات از بیشترین آراء نسبت به رقبای خود برخوردار شد، اما فاقد اکثربیت مطلق بود و از همان ابتدا با مخالفت نظامیان و اهورزیسیون راست و نیز شخص غلام اسحاق خان روپرو گردید. آنها در جریان رای اعتماد مجلس به کایپنه خانم بی نظیر بوتو وی را متهم کردند که به نمایندگان مجلس رشوه داده است.

سیاست خانم بی نظیر بوتو دمکراتیزه کردن نسبی کشور بود اما وی با آکامی از توازن شکننده بین نیروهای سیاسی این کشور و برای خودداری از تحریک نظامیان، این سیاست را با محافظه کاری تام پیش می بود. با این حال اختلاف پرسر سیاست داخلی و خارجی بویزه پیرامون مستله افغانستان و اخیراً مسائل مربوط به منطقه "جامو و آدماه در من"

دوشنبه هفته گذشته دولت خانم بی نظیر بوتو، نخست وزیر پاکستان، توسط غلام اسحاق خان، رئیس جمهور این کشور برگتار شد و مجلس ملی پاکستان نیز منحل اعلام گردید. رئیس جمهور پاکستان در توجیه این اقدام خود دولت بی نظیر بوتو را به رشوه خواری، فساد، سوء استفاده از قدرت و غیره متهم کرد.

هم زمان با برگتاری بی نظیر بوتو، ارتش پاکستان سازمان رادیو و تلویزیون، وزارت اطلاعات و سایر مراکز حساس اسلام آباد، پایتخت این کشور را به اشغال خود درآورد و زنراز اسلام بیک، رئیس ستاد ارتش پاکستان اعلام داشت که این کار به خاطر انتقال آرام قدرت به دولت آیینده صورت می گیرد.

به فرمان رئیس جمهور، غلام مصطفی جاتوی از مخالفان بی نظیر بوتو که در سال ۱۹۸۲ از حزب مردم پاکستان جدا شده بود به نخست وزیری موقت منسوب شد. خانم بی نظیر بوتو پس از برگتاری دولت خود طی مصاحبه ای این اقدام غلام اسحاق خان را "یک عمل ضد قانون اساسی که مبنای قانونی ندارد" توصیف کرد.

۶۰۰۰ نفر

در نخستین گردهمایی حزب کمونیست آفریقای جنوبی

دوست و همزم صدیق کنگره ملی آفریقا خواند. ماندلا هرگونه تلاش در زمینه دامن زدن به جنون ضد کمونیستی را رد کرد.

"جو اسلو" نیز دریاره ضرورت جستجوی راه بروون رفت از بحران درونی کشور در پشت میز مذاکره سخن گفت. اینک پس از چهل سال فعالیت مخفی، دوره نوین فعالیت علیه قدیمی ترین سازمان مارکسیستی این قاره آغاز می شود. این حزب در مبارزه علیه رژیم آپارتايد در انتلاف عملی با کنگره ملی آفریقا بوده است. حزب کمونیست هیچگاه در پهنه ایدئولوژیک و سازمانی با کنگره ملی آفریقا در تیامیخت و اینک نیز قصد دارد مشی و فعالیت مستقل خود را دنبال کند.

در هفته گذشته نزدیک به ۶۰ هزار تن در میدان فوتیال سووتو، شهرک سیاهپوست نشین نزدیک ژوهانسبورگ گردآمدند. در آنجا برای نخستین بار پس از لغو منعیت فالایت حزب کمونیست آفریقای جنوبی، گردهمایی بزرگ این حزب برپا شد. نلسون ماندلا، معاون صدر کنگره ملی آفریقا، جی نایدو، دبیرکل کنگره سندیکاهای آفریقای جنوبی و نیز رهبران خود حزب کمونیست که به همراه "جو اسلو"، دبیرکل حزب به تازگی از مهاجرت به میهن بازگشته اند، در این گردهمایی شرکت کردند.

نلسون ماندلا در سخنرانی افتتاحیه خود، حزب کمونیست آفریقای جنوبی را